



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی خیابان فلسطین، کوچه برادران غفاری، پلاک ۲۶
تلفن: ۸۸۹۸۶۲۹-۳۷-۳۷ شماره: ۸۸۹۸۶۲۸-۳۷-۳۷ تلفن اگهی‌ها: ۸۸۹۸۶۲۰-۳۷-۳۷
امور مشترکین: تلفن: ۸۸۸۱۲۳۳-۳۷-۳۷
توزیع: شرکت پیام‌سان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۳۱۳۰
چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۲۲
www.sharhdaily.ir

تهران : اذان ظهر ۱۲:۱۸ اذان مغرب ۱۷:۵۷ اذان صبح فردا ۵:۳۹ طلوع آفتاب ۷:۰۴

یادگار

کوشش برای برافروختن چراغ حقیقت



● **سهام‌الدین بورقانی**

● می‌دانم این روزها همه به‌قدری مشغول گرفتاری‌های خود هستند و درگیر با مشکلات، که دیگر فرصتی برای نق‌زدن و گلایه کردن باقی نمی‌ماند. من اما قصد نق‌زدن‌های متداول را ندارم و بیشتر مایلم نقدی را مطرح کنم، چه کنم که گاهی تحمل برخی مسایل آنقدر دشوار است که دیگر توانی برای تحمل مصایب و چالش‌های بعدی باقی نمی‌ماند. پنج سال دوری از «احمد بورقانی» برای من، چه به عنوان «فرزند» و چه «روزنامه‌نگار» به قدری دردناک هست که طاق‌ت شنیدن برخی طعنه‌ها را نداشته باشم.

«معمار توسعه مطبوعات آزاد و مستقل» از جمله عنوان‌هایی است که پدر را با آن یاد می‌کنند اما گویی عده‌ای را خوش نیامده و عقیده دارند که آدم‌ها را نباید بیخود بزرگ کرد. هرچند هیچ‌گاه کوشش‌های بسیاری از دوستان و همکاران گرمی را برای بزرگداشت بورقانی از یاد نمی‌برم، اما به نظر می‌رسد مدتی است نسلی از روزنامه‌نگاران پا به میدان گذاشته‌اند که نمی‌دانند بزرگانشان برای اعتلای مطبوعات چه زحماتی کشیده‌اند. باور کنید مردم می‌آید. اینها را نه به عنوان فرزند بورقانی، بلکه روزنامه‌نگاری کوچک می‌گویم. من با احمد بزرگ شده‌ام و دغدغه‌ها و نگرانی‌هایش را به اندازه فهم خودم درک کرده‌ام. می‌دانم که هر روزنامه و نشریه‌ای حکم فرزند را برایش داشت. می‌دانم که به «اصلاح» باور عمیق داشت و معتقد بود باید ظرفیت‌های پنهان جامعه را برای اصلاح پیدا کرد و تکثر رسانه‌ای را هم یکی از ابزارها در این راه می‌دانست. چرا عنوان معمار توسعه مطبوعات آزاد باید برخی را ناراحت کند؟ مگر آباد کردن چیست و مگر احمد بورقانی به چیزی جز آباد کردن می‌اندیشید؟ تا زمانی که مسوولیت مطبوعاتی داشت همه هم و غمش همین بود و بعد از آن هم، تا آنجا که جان داشت از حقوق مطبوعات و از تک‌تک روزنامه‌نگاران دفاع می‌کرد. برای هر تحریریه‌ای مشکلی پیش می‌آمد سراغ او می‌آمدند، هر جا مشورتی می‌خواستند یا او تماس می‌گرفتند و هر بار که نشریه‌ای متولد یا توقیف می‌شد به تحریریه‌ها سر می‌زد و یاری می‌رساند و راهنمایی می‌کرد بی‌توقع و بی‌ریا.

به همین دلیل بسیاری از بزرگان مطبوعات علاوه بر نقش معمار و مهندس مطبوعات آزاد برای او همزمان نقش مدافع قدرتمند حقوق مطبوعات را- صرف‌نظر از اینکه به چه جراح و گروهی وابسته‌اند- قایلند. تصور کنید کسی غیر از او که باور جدی به این مسایل نداشت و تجربه طولانی مدت مطبوعاتی هم نمی‌داشت، در جایگاه او می‌نشست؛ آیا واقعا نتیجه همین بود؟

فراموش نکردم‌ایم چه میزان دغدغه امور صنفی مطبوعات را داشت و چه تلاش‌هایی در این مسیر انجام داد در کنار همه اقداماتی که برای توسعه کمی و کیفی مطبوعات انجام داد امور صنفی را هم از یاد نبرد و تلاش‌هایش برای ایجاد تعاونی مدیران مسئول روزنامه‌ها و انجمن صنفی روزنامه‌نگاران را نمی‌توان از یاد برد. عمران و معماری آبا مennایی غیر از اینها می‌دهد؟ اینکه زندگی را برای خودت دشوار کنی و بکوشی جمله‌عمل به باورهای بیوشناسی و هزاران دردرس را به جان بخری که چراغ حقیقت را در شب ناباوری برافروخته کنی آیا عنوان دیگری دارد؟ دو امپستیان دارم که احمد بورقانی صرفا اینجا که گفتیم نیست و با وجود همه الطاف که دوستان و همکارانش داشته‌اند و بر مودتش گفته‌اند و نوشته‌اند، هنوز حرف‌هایی برای گفتن باقی مانده است. از همه روزنامه‌نگاران، محققان و پژوهشگران مطبوعات تقاضا می‌کنم که قلم در دست بگیرند و کارنامه او را دقیق‌تر از گذشته بررسی کنند. نسل جدید نیاز دارد تا آدم‌هایی از جنس احمد بورقانی را بیشتر بشناسد. بسپم‌الله.

ادامه از صفحه اول

کیمیای «احمد»

اصلاح‌طلب بود اما همزیستی اصولگرایان را می‌طلبید. این مشکل جریان‌های سیاسی است. به عنوان مثال اصولگرایان نمی‌خواهند سرب ته ن با اصلاح‌طلبان باشند اما باید گروه‌ها بتوانند همزیستی کنند. رفتار مرحوم بورقانی، مبین این نکته بود. «احمد» واقعا آزاد اندیش بود. روشنفکر بود اما به رغم این ویژگی‌های فکری، همیشه کنار مردم بود و این امر با اهمیت است. خاطره‌ای از او بگویم: زمانی گروه‌های فشار- که بعدا خودش نام گرفتند- قرار داشتند تا به روزنامه جامعه حمله کنند. احمد با من تماس گرفت و گفت به دفتر روزنامه نروا هر کس‌ری رفت کتک حسایی خورد بعدا آقای بورقانی را دیدم و گفتم از کجا می‌دانستی که اینجا قصد کتک زدن هم دارند؟ گفت: «فقایم رنگ زدن و گفتند؟» گویا این افراد متعلق به محله‌های خاصی از تهران بودند و چون احمد با هم مسلمان آنها در آن محله‌ها ارتباط داشت، این را فهمیده بود. او یک عمر کتاب خواند اما این باعث نشده بود از مردم فاصله بگیرد. روشنفکری بود که در دل مردم زیست.

شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی خیابان فلسطین، کوچه برادران غفاری، پلاک ۲۶
تلفن: ۸۸۹۸۶۲۹-۳۷-۳۷ شماره: ۸۸۹۸۶۲۸-۳۷-۳۷ تلفن اگهی‌ها: ۸۸۹۸۶۲۰-۳۷-۳۷
امور مشترکین: تلفن: ۸۸۸۱۲۳۳-۳۷-۳۷
توزیع: شرکت پیام‌سان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۳۱۳۰
چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۲۲
www.sharhdaily.ir

تهران : اذان ظهر ۱۲:۱۸ اذان مغرب ۱۷:۵۷ اذان صبح فردا ۵:۳۹ طلوع آفتاب ۷:۰۴

یادداشت

جای خالی احمد بورقانی پنج ساله شد

احمد آل قلم



● **هادی خانیکی**

پنج‌سال است که او از خانه کوچک و کهنه‌اش در «نظام‌آباد» که زیور آن انبوهی کتاب بود و زیبایی‌اش گل‌دان‌های شاداب گل یاس به قطعه آرام یادآوران بهشت‌زها رفته است که خود از نخستین نام‌های یادآور آن بود از احمد یادها و یادبودهایی زیاد مانده است: جای پایش را هنوز در خیلی جاها می‌توان دید و صدایش را در خیلی جاها می‌توان شنید نوشته‌های زیبا و نغزش در صفحات خیلی از نشریه‌ها هنوز دست‌نیافتنی است و طنزها و تکه کلام‌هایش که چهره عبوس سیاست را شوخ و شاد می‌کرد حکایت همچنان باقی جمع دوستان است.

آیا اینجاست که «احمد» را هر سال دوباره از قطعه یادآوران بهشت‌زها به جامعه مطبوعات می‌آورد یا چیزی دیگر هم در وری اینها هست که نمی‌گذارد حتی زمستان روزنامه‌ها، بی‌عطر یاس خاطره او بماند.

به‌نظر من احتمال دوم بیشتر است. چون در تکاپوی روزنامه‌نگاران جوانی که گویا بیشتر شوقشان گرفتن و نوشتن مطلبی درباره اوست، نمی‌توان از این در دل نشستن احمد به آسانی گذشت. دوست‌داشتن و به دل نشستن، راه و



عکس: ساتیار اهالی

لبخند او خلاصه خوبی‌ها بود



● **علی‌اکبر قاضی‌زاده**

آشنایی من با احمدآقای بورقانی به سال ۱۳۴۲ برمی‌گردد و دوران همکاری‌مان در خبرگزاری جمهوری اسلامی که تنها خبرگزاری آن زمان بود و به خاطر جنگ در آن روزگار بسیار فعال بود. «احمد بورقانی» انسانی رنج‌کشیده بود و زاده محله نظام‌آباد تهران، که محله‌ای فردست‌نشین بود و شرایط سخت زندگی‌اش سبب شده بود تا این مرد، بی‌غرور و بی‌ادعا باشد.

او مردی اهل مطالعه و اهل تفکر بود و اگر کتاب یا روزنامه‌ای به دستش می‌رسید محال بود آن را نخوانده بگذارد. به جرات باید بگویم در تمام طول عمر خود انسانی به این پاکی، زلالی و صافی ندیدم. او ابتدا اهل دودوزه و دورویی نبود و ابدا برای پیشبرد هیچ کاری به کسی کلک نمی‌زد.

اهل کمک بود. باور و همراه همه همکاری‌اش بود و از همان سال‌ها می‌دانستم که همیشه هوای افراد تنگ‌دست



● **نعمت احمدی**

آشنایی با «احمد بورقانی» یکی از بخت و اقبال‌هایی بود که در زندگی برای من ایجاد شد. احمد قبل از اینکه نماینده مجلس شود در صنعت چاپ، آشنایی داشت. من به‌خاطر کارم با او سر و پا کردی اقدام اما این ارتباط تنها به صورت تلفنی بود تا اینکه یک شب روزنامه «جامعه» توقیف شد و من به‌خاطر اینکه نویسنده حقوقی روزنامه و وکیل آقای «شمس‌الواعظین» بومد سروکارم به او به عنوان مدیر داخلی مطبوعات افتاد. آقای «جوادی‌حصار» از شهر مشهد داشت با قطار به تهران می‌آمد تا امتیاز روزنامه «طوس» را برای ما بیاورد تا هم‌زمان با صفحه‌بندی روزنامه امتیاز آن هم به دست ما برسد و روزنامه بتواند به موقع صفحه‌آرایی شود و به چاپخانه برود. من برای اولین بار احمد را از نزدیک دیدم. آن شب مردی چاق با نفس نفس‌های دایمی و عرق‌ریزان با دل‌واپسی عجیبی را ملاقات کردم که چقدر نگران جمع روزنامه بود که از هم نپایزند و روزنامه به‌موقع منتشر شود. او احمد بورقانی بود از آن زمان مرادمان با او بیشتر شد و گاهی کارهایی داشت که برایش انجام می‌داد. احمد بورقانی



پنجشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۹۱ | ۱۹ ربیع‌الاول ۱۴۳۴ | ۳۱ ژانویه ۲۰۱۳ | سال دهم | شماره ۱۶۶۱ | ۱۲ صفحه + ۱۶ صفحه ویژه نامه



● **هادی حیدری**
cartoononline.persianblog.ir



یادنامه

آرش کمانگیر مطبوعات ایران



● **سعید لیلیاز**

احمد بورقانی جدا از ویژگی‌های فردی و الایش نظیر سعه‌صدر و دانش فراوانش، کار خیلی خیلی بزرگی در طول زندگی‌اش انجام داد که تا ابد در تاریخ، به یادگار خواهد ماند. کار بزرگ او این بود که در سپیده‌دم اصلاحات در مطبوعات موجی را ایجاد کرد که تا ابد اثراتش در تاریخ سیاسی و مطبوعاتی ایران زردونی نیست.

هنوز هم پس از شش سال که او دیگر نیست، هر کس را که دارای صفای قلب است و برخورد‌های انسان‌دوستانه دارد، می‌بینم بی‌اختیار به یاد مهربانی و صفای دل این مرد عزیز می‌افتم. خنده‌های او همیشه حال رفقایاش را خوب می‌کرد. در نهایت باید اضافه کنم که هر انسانی برای خدمت‌کردن به سرزمین و مردمش فرصت‌های اندکی دارد، «احمد» از فرصت اندکی که داشت برای خدمت به مطبوعات و قلم بیشترین استفاده را کرد و نام نیکي از خودش برج‌ا گذاشت... یادش گرامی.



● **غلامعلی خوشرو**

برای دوستی که شش سال پیش از دست رفته نوشتن ساده نیست. اخلاق و رفتار «احمد بورقانی» از او دوستی عزیز و یگانه و همکاری کهنظیر ساخته بود. آقای بورقانی، خصوصیتی ویژه داشت. خصوصیتی که هر کدام به تنهایی می‌تواند از یک انسان عادی، فردی تاثیرگذار بسازد ولی به رغم تمام این نقاط برجسته اخلاقی و کارنامه درخشان بورقانی یکی از ابدع‌ترین شاید یکی از مهم‌ترین ولی در عین حال ساده‌ترین خصوصیات آقای بورقانی مردم داری او بود. او حتی پس از ورود به مجلس یا دولت هم ارتباطش را با بدنه اجتماع از دست نداد. در یک خانواده زحمتکش به دنیا آمده بود و در محله‌ای متوسط زندگی می‌کرد. زندگی در یک محله متوسط به آقای بورقانی آموخته بود که هیچ مسوولی نباید فروش کند. اگر امروز مسوولیتی بر عهده دارد، به همت مردم ساده بوده است. به‌خاطر می‌آورم حتی روزهای نمایندگی مجلس یا دوران معاونت در وزارت ارشاد تا تمام پرسنل اداری مجلس و وزارت ارشاد در ارتباط بود، در جریان مشکلاتشان قرار داشت و پای درد‌دل‌شان می‌نشست. ارتباط با بدنه اجتماع باعث شده بود که او آدمی روزااست و صادق باقی بماند. از سبب دیگر بورقانی برای پیشبرد کار‌ها از تمام افراد حایزصلاحیت استفاده می‌کرد و هرگز صاحب صلاحیتی را به‌دلیل اندیشه متفاوت از خود نراند.

یدالله رویایی: حالم خوب و مشغول نوشتنم

ایستنا: «یدالله رویایی» شاعر که روز ۱۱ بهمن‌ماه شایعه درگذشتش منتشر شد، گفت: نمی‌دانم چه کسی، چرا و به چه منظوری خبر درگذشت مرا منتشر کرده است. حالم کاملا خوب است و در حال حاضر نیز مشغول نوشتن هستم. رویایی که در فرانسه سکونت دارد، درباره آخرین آثار منتشرشده‌اش در ایران، گفت: از آخرین کتاب‌های منتشرشده‌ام چاپ دوم «هلاک عقل به وقت اندیشیدن» و «چهره پنهان حرف» است که هر دو از سوی انتشارات نگاه منتشر شده‌اند.



نوشتن در سایه انقلاب

مساله اصلی مردم سوریه هستند

● در این ستون می‌خواهیم بدانیم نویسندگان عرب در هر یک از کشورهایی که در آنها جنبش یا انقلاب صورت گرفته، چه می‌کنند؟ آیا اصلا می‌نویسند؟ چه می‌نویسند؟ آیا در زمینه‌های تخصصی ادبی خودشان در دوره پیش از انقلاب می‌نویسند یا به نوشتار سیاسی روی آورد‌اند؟

عمر قدور – سوریه – شاعر و رمان‌نویس
از آغاز حوادث در سوریه، نزدیک به دو سال می‌گذرد، با این حال هنوز این حوادث، عادی نشده و هنوز، با ابق‌ها و دغدغه‌ها و دگرگونی‌هایشان، مساله اصلی مردم سوریه هستند. تعداد کمی از نویسندگان خودشان را از جریانات دور نگه داشتند، اما اغلب آنان در جزئیات حوادث غرق شدند. برخی هم مشارکت میانی در حوادث داشته‌اند. برخی از نویسندگان در وطن به زندگی ادامه می‌دهند. برخی دیگر هم به کشورهای دیگر رفتند، اما از گفتن حرف خود به هر صورتی که بود، دست برنداشتند.

فواز حداد (رمان‌نویس) و خطیب بدله (داستان‌نویس و طنز‌نویس)، دو نام شناخته شده در فرهنگ سوریه هستند که از همان ابتدا جانب‌و‌جان خود را گرفتند.

یک‌کسال و نیم است چیزی ننوشت‌ام

فواز حداد – سوریه – رمان‌نویس

از یک‌کسال و نیم پیش، چیزی ننوشت‌ام که از قبل برای آن برنامه داشته باشم. پروژه‌های نوشتنم، به آینده‌ای نامعلوم سپرده شده‌اند. تنها کار این روزها حوادثی است که بر زندگی همه ما سایه انداخته. هر چیز دیگری جز آن ثانوی است. این‌حوادث مهم‌ترین و بارزترین جریان بعد از استقلال سوریه است.

آکادمی

ساخت مرد یک‌میلیون دلاری

● **گروه علم:** دانشمندان بریتانیایی با استفاده از پیشرفته‌ترین فناوری‌ها، انسان‌نمایی ساخته‌اند که اندام‌هایش در حقیقت از پروتزها و تراشه‌های پیشرفته ساخته شده است. «ریچارد والکر» و «هتیو گان» این مرد یک‌میلیون دلاری را که «کس» نام دارد، ساخته‌اند. این دو دانشمند آخرین دستاوردهای ساخت پروتز را (که میلیون‌ها دلار خرج آنها شده است)، از بهترین آزمایشگاه‌ها و دانشگاه‌های سراسر دنیا گردآوری کردند تا این فرد مصنوعی را بسازند. آنها در این راه با دکتر «پرتولت مایر»، روانشناس سویسی که بدون دست چپ متولد شده است، نیز مشورت کردند. «پرتولت مایر» از یک دست مصنوعی ۴۷هزار دلاری استفاده می‌کند که پیشرفته‌ترین نوع پروتز محسوب می‌شود. دست «کس» می‌تواند ۲۶ حرکت مختلف را انجام دهد که یک درجه از دست انسان کمتر است. این دست می‌تواند حرکت‌های مختلف را یاد بگیرد. عینک «کس» از اشیا عکس می‌گیرد و آن را به ریزرتاشه‌ای در شبکیه چشم می‌فرستد. این ریزرتاشه، پیام‌های الکتریکی برای مغز «کس» می‌فرستد و مغز آنها را به صورت شکل و حجم تفسیر می‌کند. اما به‌غیر از دست، اندام‌ها و دیگر اعضای «کس» هم مصنوعی است و هر کدام در یک جای دنیا ساخته شده است: چشم (دانشگاه کالیفرنیا)، گوش (دانشگاه مک‌کوایر استرالیا)، قلب (شرکت سین کاردیه، آریزونا)، ریه و نای (بیمارستان روال‌فری لندن)، طحال (دانشگاه ییسل آمریکا)، لوزالمعد (دانشگاه دمونتفورت انگلیس)، پا (آی‌تی آمریکا)، کلیه (دانشگاه کالیفرنیا) و خون (دانشگاه شفیلد انگلیس). به این ترتیب، به نظر دانشمندان نه‌تنها جانشین کردن اندام‌ها مقدور است، بلکه به فکر بهبود کارکردهای اندام‌ها و اعضای بدن انسان هستند. اگر چه بسیاری از دانشمندان معتقدند که امکان ساخت قلب، ریه، طحال، چشم و اعضای دیگر، می‌تواند مشکل کمبود اهداکنندگان عضو را برطرف کند و جان بسیاری را نجات دهد، اما از سوی س‌واءاستفاده از این دست‌اورد علمی بشر ایجاد کرده است. گفتنی است «کس» که ۱۸۰ سانتی‌متر قد دارد، برای تهیه یک فیلم مستند ساخته شده است. این فیلم مستند را کاتال چهار تلویزیون بریتانیا تولید کرده است.

تماشاخانه

هملت روی صحنه

● نمایش هملت به کارگردانی رضا گوران و بازی آتیلا سیستانی و صابر ابر روز جمعه، ۱۳بهمن ویژه دانشجویان همه رشته‌ها با بلیت تخفیف‌دار، روی صحنه می‌رود. دانشجویان از ساعت ۱۶ روز جمعه با مراجعه حضوری به گیشه ایرانشهر و ارایه کارت دانشجویی می‌توانند بلیت خریداری کنند.

